

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۸

شناسایی و تحلیل چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری استان ایلام با
استفاده از تحلیل مضمون
محمد باقر آرایش^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری استان ایلام انجام شد. این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و به لحاظ روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل ۱۰ نفر از افراد مطلع در زمینه موضوعات تعاونی‌ها و نیز متون مناسب جهت استخراج شاخص‌ها (ادبیات نظری) بودند. در این پژوهش، برای انتخاب نمونه‌ها، از رویکرد گلوله برفی و به عنوان استاندارد برای پایان نمونه‌گیری، از روش اشباع مضامین استفاده شد. مضامین با استفاده از ۲ منبع ادبیات نظری و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته احصا شد. نتیجه تحلیل داده‌های کیفی، شناسایی ۶۵ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت، ۴ مضمون فراگیر شامل چالش‌های زیرساختی-نهادی، مدیریتی، اقتصادی، و فرهنگی - اجتماعی بود که در قالب یک مدل ارائه شدند. در پایان، بر مبنای نتایج، پیشنهادهایی در این حوزه ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های تعاونی عشایری، چالش، تحلیل مضمون، استان ایلام

مقدمه

در حال حاضر، به‌ندرت می‌توان کشوری را در دنیا یافت که دارای نوعی سازمان تعاونی نباشد. کلیه کشورها مدعی دارا بودن این‌گونه سازمان‌ها هستند و اغلب به توسعه و گسترش این سازمان‌ها مبادرت ورزیده‌اند (عطایی و ایزدی، ۱۳۹۴). در واقع، تعاون از بخش‌های مهم اقتصادی کشور، به‌خصوص در جذب سرمایه‌گذاری و اشتغال، است؛ اما تحولات اوایل هزاره سوم میلادی در عرصه اقتصاد، فرهنگ و روابط اجتماعی موجب شده است که تعاونی‌ها در عصر حاضر، با شرایط جدیدی روبه‌رو شوند به‌طوری‌که بدون سازگاری با آنها نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. این بخش در صورت رفع موانع و محدودیت‌ها در زمینه تولید و ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری، اجرای سیاست‌های حمایتی، بازنگری در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی حمایت از سرمایه‌گذاران، اعمال سیاست‌های مالی و پولی هماهنگ و تنظیم قوانین کسب‌وکار اثربخش و همچنین ایجاد اشتغال مولد می‌تواند نقشی سازنده داشته باشد (امانیان دختی و صادقی نیا، ۱۳۹۴). در کشورهای صنعتی، دولت از طریق طراحی چارچوب‌هایی برای توسعه تعاونی‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گام‌های مؤثری برداشته است؛ اما کشورهای درحال توسعه، در این راه، با موانعی چون عدم تطبیق انتظارات، نبود شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، فقدان شرایط استاندارد محیطی و افزایش غیرطبیعی تعاونی‌ها به لحاظ کمی مواجهند (عطایی و ایزدی، ۱۳۹۴).

در ایران، تشکیل شرکت‌های تعاونی کشاورزی و عشایری، به‌عنوان نوعی نظام بهره‌برداری، در رشد کیفی شرایط کشاورزان و بهره‌برداران در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق تشریک‌مساعی و همیاری نقش اساسی دارد (عباسی، ۱۳۸۹). تعاونی‌های عشایری به‌طور مستقیم، در کاهش فقر از طریق پیشرفت اقتصادی و اجتماعی اعضا و به‌طور غیرمستقیم، از طریق تحرک اقتصادی و توسعه پایه‌های اجتماعی جوامعی که در آن به فعالیت می‌پردازند تأثیرگذار بوده‌اند (کریم، ۱۳۹۴). شرکت‌های تعاونی عشایری در ایران به دلیل تجمع منابع کالبدی در سطوح محلی و مدیریت درون‌گروهی، ارائه خدمات پایدار و به‌عاهده‌گرفتن بخش قابل‌توجهی از خدمات توزیعی، تولیدی و کشاورزی، نهادی بسیار مهم تلقی می‌شوند (عباسی و همکاران،

(۱۳۸۸)؛ اما با نگاهی اجمالی به اهداف تعاونی‌های عشایری در سطح مناطق، قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در بهبود نظام بهره‌برداری، ارائه خدمات و سرانجام کاهش فقر و توسعه همه‌جانبه مناطق عشایری، به نظر می‌رسد که این شرکت‌ها در نیل به اهداف عالی خویش موفق نبوده‌اند (رضاپور، ۱۳۸۸). با عنایت به ویژگی‌های سه‌گانه جوامع عشایری یعنی معیشت مبتنی بر دامداری سنتی و نگهداری دام، کوچ کردن و جابه‌جا شدن بین ییلاق و قشلاق به‌منظور تعلیف دام و بهره‌جویی از تنوع آب‌وهوایی و وابستگی به ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایل مشخص می‌شود این جوامع به‌طور طبیعی با مشکلات و چالش‌های فراوانی مخصوصاً در ابعاد محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و ساختاری مواجهند (جمعه پور و طالبی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین لازم است شرکت‌های تعاونی عشایری از ابعاد گوناگون، مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند، چراکه در این صورت می‌توان در سایه شناخت مشکلات و نواقص کار، به ارائه راه‌حل‌های علمی و منطقی برای اصلاح ساختار وضع موجود در راستای اهداف تحقق پرداخت. همچنین بر مبنای اهداف ترسیم‌شده افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران باید جایگاه نخست اقتصادی را در میان کشورهای منطقه کسب نماید، لذا این انتظار، لزوم توجه به شرکت‌های تعاونی را دوچندان می‌کند (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۳).

بر اساس آمار موجود (اداره کل امور عشایری استان ایلام، ۱۳۹۶)، از مجموع ۱۶۱ شرکت تعاونی عشایری، فقط ۴۵ شرکت به‌صورت فعال به حیات خود ادامه می‌دهند و ۷۲ درصد باقی‌مانده در وضعیت راکد و یا در دست‌اجرا به سر می‌برند؛ از این‌رو، استان ایلام از نظر تعداد شرکت‌های تعاونی عشایری در قیاس با استان‌های غربی کشور و حتی حوزه ریشی زاگرس رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. این امر نشان می‌دهد که شرکت‌های تعاونی عشایری استان ایلام با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه بوده و به دلایل مختلف، در تحقق اهداف این نظام بهره‌برداری توفیقی نداشته‌اند؛ لذا با توجه به وضعیت نابهنجار این شرکت‌ها در استان، در مطالعه

حاضر مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های فراروی شرکت‌های تعاونی عشایری با رویکردی کیفی و برگرفته از منابع دست‌اول بررسی شد.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

مهری و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «مطالعه موانع توسعه تعاونی‌های مرزنشینان کشاورزی، مسکن و مصرف آموزش و پرورش و اعتبار به اتکای روش تحلیل مضمون»، مهم‌ترین بازدارنده‌ها و مشکلات تعاونی‌های کشاورزی را شامل موانع چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و بین‌المللی در نظر گرفتند.

حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «موانع و راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشینان استان کرمانشاه»، به این نتیجه رسیدند که موانع دولتی - حمایتی، مدیریتی، آموزشی، اجتماعی - اقتصادی و مهارتی - تخصصی مهم‌ترین موانع فعال‌سازی تعاونی‌ها بوده‌اند.

در تحقیق نصراللهی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چای‌کاران در استان گیلان»، عوامل آموزشی، مشارکتی، حمایتی، توسعه‌ای، مدیریتی، مسئولیتی و دولتی مهم‌ترین چالش‌های شرکت‌های تعاونی چای‌کاری در شمال کشور بوده‌اند.

در تحقیق امانیان دختی و صادقی نیا (۱۳۹۴) با عنوان «نقش تعاونی‌های روستایی در میزان درآمدزایی و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی»، شرایط و ضوابط دست‌وپاگیر اعطای تسهیلات بانکی به شرکت‌های تعاونی به‌عنوان مهم‌ترین معضل تعاونی‌ها تلقی شدند.

در تحقیق عطایی و ایزدی (۱۳۹۴) با نام «سازه‌های تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی»، ۷ عامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سرمایه‌انسانی، مدیریتی، حمایتی و آموزشی بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی مؤثر بودند.

در تحقیق کریم (۱۳۹۴) تحت عنوان «چالش‌های شبکه‌های تعاونی‌های روستایی ایران»، مهم‌ترین چالش‌های تعاونی‌های روستایی شامل چالش‌های سیاسی، زیرساختی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی بودند.

آریان پور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با نام «نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی استان گیلان»، ضعف برنامه‌ریزی در برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، روزمرگی، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش و ناآشنایی و ناآگاهی هیئت‌مدیره و بازرسان نسبت به وظایف و تکالیف قانونی خود را مهم‌ترین چالش‌های شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی استان گیلان برشمردند.

صفرپور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خویش با عنوان «بازدارنده مهندسی مجدد تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان اهواز»، عدم فعالیت‌های حمایتی، فقدان فعالیت‌های آموزشی و انگیزشی، موانع مدیریتی، فقدان برنامه‌محوری و مشتری‌مداری، موانع مالی و عدم عضویت‌مداری را مهم‌ترین موانع بازدارنده اجرای مهندسی مجدد تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان اهواز قلمداد کردند.

در تحقیق حضرتی و بابایی فینی (۱۳۹۱) با نام «شناسایی عوامل مؤثر بر غیرفعال شدن تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از تحلیل دلفی»، ضعف مدیریتی، مهارت، اختلاف‌سلیقه، انتظارات نابجا از تعاون و برخی کمبودهای خدمات زیربنایی و مشکلات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری سازمان‌های دولتی از مشکلات اصلی شرکت‌های تعاونی تشخیص داده شدند.

بذرافشان و شاهین (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران»، گرایش تعاونی‌ها به ارائه خدمات، محدودیت سرمایه، ضعف آموزش، گرایش تعاونی‌ها به دولت و بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی را مهم‌ترین تهدیدها بر سر راه شرکت‌های تعاونی کشاورزی برشمردند.

فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۰) در مطالعه خویش با عنوان «بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی»، کمبود امکانات زیرساختی، کمبود اعتبار و سرمایه مالی، شفاف نبودن ارتباط بین سرپرستان و کارمندان تعاونی‌های تولید با اعضا و ضعف در ساختار اداری تعاونی‌ها را از عوامل مؤثر بر ناتوانی شرکت‌های تعاونی در بازاریابی محصولات کشاورزی گزارش دادند.

در تحقیق جمعه پور و طالبی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی نقش تعاونی‌های مرزنشینان در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی»، مشکلات قانونی و سازمانی مهم‌ترین چالش‌های تعاونی‌های مرزنشین در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی بودند.

قدیری مقدم و نعمتی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «اولویت‌بندی تنگناهای پیش روی تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان مشهد با تأکید بر نظام بازاریابی» نشان دادند که نبود برنامه‌ریزی جامع بلندمدت از سوی مدیران و اعضای تعاونی‌ها، وجود عوامل واسطه‌ای و دلالت در هنگام فروش محصول توسط تعاونی‌ها و به‌کارنگرفتن نیروهای متخصص از سوی تعاونی‌ها در امر خرید و فروش محصول در شکست تعاونی‌های کشاورزی مؤثر بوده‌اند.

شیخ سوینی و قهرمان زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «نقش مؤثر تعاونی‌ها در توسعه کشاورزی: چالش‌ها و راهکارها»، به کمبود سرمایه و تأخیر در دریافت وام، اختلافات درون‌تشیلاتی، پایین بودن فرهنگ کار، گردش مالی پایین و ضعف بنیة مالی شرکت‌های تعاونی کشاورزی اشاره نمودند.

غفاری بیستونی (۱۳۸۹) در تحقیق خویش با عنوان «بررسی علل رکود تعاونی‌های راکد بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه»، نشان داد که فقدان تفاهم میان اعضا، نداشتن سرمایه و بنیة مالی، کمبود اطلاعات فنی- تخصصی، نداشتن برنامه‌های آموزشی مناسب و وجود دلالت و واسطه‌های موجود در خرید محصولات تولیدی مهم‌ترین دلایل رکود تعاونی‌های راکد بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه بودند.

کرباسی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی مشکلات طرح‌های نیمه‌تمام در استان سیستان و بلوچستان»، کمبود اعتبارات، تخصص نداشتن اعضا و مدیریت ناکارا در تعاونی‌ها را مهم‌ترین مشکلات تعاونی‌های کشاورزی دانستند.

نتایج مطالعه خفایی (۱۳۸۸) با عنوان «عوامل مؤثر بر عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی در شهرستان‌های بوشهر و دشتستان»، نشان داد که عوامل زیر در ناکامی شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی مؤثر بودند: عدم همکاری دستگاه‌های اجرایی استان و پاسخگویی مناسب آنها، هزینه‌های تأمین مواد اولیه و بالا بودن قیمت آنها، زیاد بودن کارمزد تسهیلات بانکی و فرایند طولانی و روش‌های دست‌وپاگیر اخذ وام از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، ناچیز بودن سرمایه شرکت، همکاری نامساعد صندوق تعاونی استان، ارائه نامطلوب خدمات بازاریابی و نبود اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه‌های مختلف.

در تحقیق پهلوانی و همکاران (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی و نظرسنجی درباره مشکلات و توانمندی‌های بخش تعاون در استان سیستان و بلوچستان»، ضعف مدیریت، بالا بودن نرخ بهره و سود بازپرداخت وام‌ها، فقدان دسترسی به اطلاعات بازارهای فروش و سیاست‌های دولت در زمینه واردات، عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته مانند تجارت الکترونیک، کافی و مناسب نبودن حمایت‌های دولت از نوآوری و کارآفرینی و نبود روحیه همکاری و فعالیت‌های مشارکتی در تعاونی‌ها در ناکارآمدی تعاونی‌های تولیدی مؤثر تشخیص داده شدند.

سعدی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خویش با عنوان «آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران» نتیجه گرفتند که مهم‌ترین آسیب‌های تهدیدکننده تعاونی‌های تولیدی عبارت‌اند از: آگاهی محدود اعضا از اصول و فلسفه شکل‌گیری تعاونی‌های تولید، گرایش شدید تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزش اعضای تعاونی، محدودیت سرمایه، گرایش تعاونی‌ها به دولت، سؤظن به ارکان تعاونی (بحران بی‌اعتمادی)، ضعف اطلاع‌رسانی در تعاونی و نامشخص بودن اولویت وظایف و اهداف تعاونی.

آجیلی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان و ارائه راه‌های ارتقاء کمی و کیفی آنها»، ضعف نیروی انسانی، عدم شناخت اصول تعاونی، فعالیت مدیران تعاونی در بخش خصوصی، عضویت برخی از اعضا در چند تعاونی و عضویت افراد شاغل در تعاونی، وجود روابط سنتی در تعاونی، پایگاه نابرابر اعضا، وجود اختلاف در تصمیم‌گیری‌های جمعی و بی‌علاقگی اعضا به عضویت در هیئت‌مدیره را مهم‌ترین مؤلفه‌های ناکارآمدی تعاونی‌های تولیدی کشاورزی دانست.

تحقیقات خارجی

عبدالملکی (Abdolmaleki, 2015) فقدان زیرساخت‌های فرهنگی، نبود دانش و دیدگاه صحیح در تولیدکنندگان و رهبران، قوانین و مقررات ناکافی، موانع زیرساختی، منابع سرمایه و نظام اطلاع‌رسانی ناکافی، فقدان سود، وابستگی به دولت و بدگمانی به ساختار تعاونی‌ها را مهم‌ترین بازدارنده‌های تعاونی‌های تولید دانست.

گوتسو و همکاران (Koutsou et al., 2014) وابستگی‌های دولتی شکل‌های کشاورزی، ضعف در بازاریابی محصولات تولیدی و ضعف در سیستم مدیریت شرکت‌های تعاونی را مهم‌ترین دلایل شکست تعاونی‌های کشاورزی دانستند.

در تحقیق دولتی و نادری (Dowlati & Naderi, 2011) ضعف‌های مدیریتی تعاونی‌ها، ضعف‌های مالی و اعتباری، کمبود امکانات و عدم رضایت شغلی اعضا در ناکامی تعاونی‌های کشاورزی مؤثر تشخیص داده شدند.

گوتیرز (Gutierrez, 2014) در تحقیق خویش به عوامل و بازدارنده‌هایی نظیر فقدان دسترسی به زمین، اعتبارات، فناوری، خدمات فنی، بازار و قابلیت‌های مدیریتی و غیره اشاره کرده است.

آنال و همکاران (Unal et al., 2009) مشکلات مالی، آموزشی و قانونی را در ترکیه و دولتر و همکاران (Develtere et al., 2008) نیز عوامل مختلفی مانند دولتی شدن تعاونی‌ها،

ضعف مدیریت و نبود منابع مالی تعاونی‌ها در افریقا را مهم‌ترین عوامل در شکست تعاونی‌ها دانستند.

در تحقیق پامپل (Pampel, 2007) ناتوانی در تأمین بذر، کود، ماشین‌آلات و تأمین اعتبارات بانکی برای اعضا؛ در تحقیق اوزدمیر (Ozdemir, 2005) ضعف در امور سرمایه‌گذاری، یکپارچه‌سازی، آموزش و پژوهش، مدیریت، قانون و ممیزی؛ در مطالعه واندروالت (Vanderwalt, 2005) ضعف مدیریت؛ در تحقیق ملائیم (Malayim, 2003) ضعف آموزش و تحقیقات؛ در پژوهش برونیس و همکاران (Bruynis et al., 1997) بالا بودن هزینه‌های اجرایی، ناتوانی در ایجاد توازن در علایق متفاوت اعضا، انتظارات زیاد اعضا از تعاونی‌ها و نبود مدیران مقتدر در بین اعضا؛ در تحقیق بنتوراکی (Benturaki, 2000) سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت، تخلف و تجاوز از اصول اساسی تعاون، قوانین غیرپیشرفته تعاونی، عدم استقلال و خودمختاری، عدم توانمندسازی اعضا و فقدان ساختار سازمانی کارآمد و سرانجام در پژوهش کارلو و همکاران (Carlo et al., 2000) متغیرهای روحیه فردگرایی، عدم همکاری اعضا، نبود مسئولیت‌پذیری در اعضا، ناآگاهی اعضا و غفلت از اصول تعاون در ناکارآمدی و شکست تعاونی‌های تولید مؤثر تشخیص داده شدند.

مبانی نظری تحقیق

یک شرکت تعاونی انجمنی خودمختار و متشکل از افرادی است که به‌طور داوطلبانه، به‌منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، با نظارت دموکراتیک و مالکیت اشتراکی، شکل می‌گیرد (Ortmann & King, 2007). در واقع، استقرار تعاون با تشکیل و توسعه تدریجی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی صورت می‌گیرد. در تعریفی دیگر، شرکت تعاونی سازمانی متشکل از افرادی است که به‌منظور بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا و وصول به هدف مشترک و رفع نیازمندی‌های آنان از طریق کار و کوشش جمعی و همکاری و اشتراک

مساعی همگان و با رعایت اصول آزادی و تساوی حقوق و رأی تشکیل می‌شود (خسروی پور و همکاران، ۱۳۹۷). امتیاز شرکت‌های تعاونی در آن است که کنترل اداره امور شرکت در دست کلیه اعضاست. در شرکت تعاونی، یک فرد یا یک گروه کوچک به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند بر مبنای تعداد سهامی که در اختیار دارد، کارهای شرکت را قبضه کند و کنترل آن را به دست گیرد (تفویضی ونی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۱)؛ لذا می‌توان چنین گفت که شرکت تعاونی عشایری انجمنی مستقل است که برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضای خویش، به‌طور داوطلبانه، توسط آنها تأسیس می‌شود و فعالیت خود را با مشارکت و مدیریت دموکراتیک به اجرا درمی‌آورد.

جامعه عشایری، به‌عنوان سومین جامعه کشور و درعین‌حال مولدترین آنها، با دارا بودن بیش از ۲۲ میلیون رأس دام سبک (یک‌چهارم دام کشور)، سالانه ۲۰ درصد تولید گوشت قرمز، ۱۲۰۰۰ تن محصول پشم و ۳۵ درصد صنایع‌دستی کشور از قبیل گلیم، جاجیم، ورنی، گبه، قالی و قالیچه کشور را تولید می‌کند و از این جهت، نقش زیادی در خوداتکایی و استقلال کشور در تولید محصولات اساسی و راهبردی ایفا می‌نماید (سازمان امور عشایر کشور، ۱۳۹۷).

اعتقاد بر این است که تعاونی‌های عشایری و روستایی، به‌عنوان یکی از ارکان توسعه کشاورزی و امنیت غذایی، دارای نقش اثبات‌شده‌ای در روند فراهم‌سازی فرصت‌های اشتغال مولد برای تولیدکنندگان کوچ‌نشینان به شمار می‌آیند (کلاتری و لوایی آدریانی، ۱۳۹۵). لوایی آدریانی (۱۳۹۵) به ضعف تشکل‌های تعاونی در ابعاد تولید، توزیع، بازار رسانی و فراوری اشاره نموده است. بر این اساس، می‌توان چنین استنباط کرد که وجود چالش‌های جدی در بطن تعاونی‌های عشایری آنان را به لحاظ اثربخشی در موضع انفعالی قرار داده است؛ لذا بسیار مهم است که ترتیبی اتخاذ گردد تا شرکت‌های تعاونی عشایری و به تبع آن، روستایی و کشاورزی بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی، بتوانند وظایف خویش را به نحو احسن انجام دهند (دهقانی زاده، ۱۳۹۰). بر مبنای آنچه بیان شد می‌توان گفت که عدم آشنایی کافی و مناسب جامعه عشایری با فرهنگ تعاون رسمی، ضعف مشارکت مردم در اداره تعاونی‌ها، پایین بودن سطح سواد اعضای تعاونی عشایری، خوگرفتن مجموعه تعاونی‌های عشایری با روش‌های گذشته، وجود فرهنگ قوی و قبیله‌ای در

جامعه عشایری، و پراکندگی بیش از اندازه عشایر به عنوان مشکلات و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی؛ پایین بودن سرمایه اعضا و اندک بودن سهم تعاونی‌های عشایری در اقتصاد جامعه عشایری به عنوان چالش‌های اقتصادی؛ دخالت‌های بی‌مورد بخش دولتی در تعاونی‌ها، کمبود آگاهی مدیران و کارکنان تعاونی‌ها، عدم اجرای کامل مفاد اساسنامه توسط مسئولان تعاونی‌ها، نامشخص بودن وضعیت مالکیت و نگهداری بخشی از دارایی‌های دولتی در اختیار تعاونی‌ها، عدم استفاده از توانمندی‌های شبکه تعاونی‌های عشایری از طریق مبادلات، و بالا بودن تعداد کارکنان بعضی از شرکت‌های تعاونی عشایری به عنوان مهم‌ترین چالش‌های ساختاری - مدیریتی شرکت‌های تعاونی عشایری مطرح هستند (سام آرام و همکاران، ۱۳۹۶).

با این تفاسیر، تعاونی‌های عشایری با توجه به ویژگی‌های ساختاری خود می‌توانند در ایجاد پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، فرصت‌های شغلی، ارائه خدمات مورد نیاز جامعه و خرید محصولات تولیدی، نقش بسیار مهمی داشته باشند؛ زیرا تعاونی‌ها با به‌کارگیری سرمایه‌ها و انجام فعالیت‌های مولد، به‌ویژه در دوران خشک‌سالی، موجب تولید بیشتر و ارائه خدمات بهتر به اعضای خود می‌شوند (سازمان امور عشایر کشور، ۱۳۹۷). از طرفی، عشایر جمهوری اسلامی ایران از جمله تولیدکنندگان مواد گوشتی و لبنیاتی کشورند که بالقوه توانایی‌های زیادی در کاهش واردات کشور در زمینه‌های مزبور دارند؛ ولیکن این توانایی‌ها تاکنون به دلایل گوناگونی از جمله عدم حمایت‌های دولتی، عملی نشده‌اند. تا قبل از تأسیس تعاونی‌های عشایری، مبادلات عشایر به‌سختی و با روابط مبادلاتی نابرابر صورت می‌گرفت؛ ولی تأسیس این تعاونی‌ها علاوه بر انجام امور فوق، زمینه‌های مساعدی را برای شرکت مستقیم عشایر در بازرگانی خارجی فراهم آورده است (سلیم، ۱۳۸۶). بعد از انقلاب اسلامی، سازمان امور عشایر ایران با توجه به حس همکاری و تعاونی موجود در بین عشایر، اقدام به تأسیس شرکت‌های تعاونی عشایری نمود. این شرکت‌ها با اهداف زیر تشکیل شدند:

- واگذاری کار مردم به دست خود مردم و در حقیقت مردمی کردن امور

- سبک شدن بار هزینه، کارکنان، توزیع و بازرگانی از دوش دولت و اداره امور توسط خود مردم
 - ایجاد ارتباط بین جامعه عشایری با دولت و محو بیگانگی بین این دو
 - تأمین و توزیع احتیاجات اولیه عشایر توسط خودشان
 - مبارزه با دلالان و سلف‌خران و کوتاه کردن دست این غارتگران
 - برقراری رابطه مبادله عادلانه بین عشایر و شرکت‌های تعاونی عشایری
 - آموزش فنی و بالا بردن سطح آگاهی‌های علمی جهت افزایش تولیدات عشایری
 - کمک به تولیدات دامی و لبنی و رونق دامداری سنتی و صنایع دستی عشایر
 - تهیه و توزیع امکانات و لوازم تولیدی
 - ایجاد بازار فروش برای تولیدات عشایری
 - کمک به خودکفایی کشور و قطع وابستگی (شاه‌حسینی، ۱۳۸۴).
- به‌طورکلی، مهم‌ترین کارکردهای شرکت‌های تعاونی عشایری را در ابعاد مختلف می‌توان به شرح زیر بیان کرد:
- تهیه، تأمین و توزیع نهاده‌های دامی موردنیاز اعضا
 - تهیه، تأمین و توزیع وسایل، تجهیزات و مواد موردنیاز تولیدات اعضا
 - طراحی، تدوین و اجرای طرح‌های تولیدی شامل انواع فعالیت زراعی، باغی، دامپروری و دامداری، صنایع دستی و سایر فعالیت‌های جانبی مرتبط با زندگی عشایر
 - طراحی، تدوین و اجرای طرح‌های عمرانی در مناطق عشایری
 - حفر و تجهیز چاه عمیق و نیمه‌عمیق در اراضی متعلق به شرکت و اعضای شرکت به‌منظور تأمین آب کشاورزی و غیرکشاورزی و دامداری اعضای شرکت
 - نگهداری، تعمیر و بهره‌برداری از چاه و سایر تأسیسات متعلق به آن
 - همکاری و مشارکت در نظام بهره‌برداری از طرح‌های زراعی در کانون‌های اسکان عشایر
 - تأمین و توزیع آب و آب‌رسانی سیار به اعضا و دریافت آب‌بهای مربوطه

- انجام عملیات جمع‌آوری، نگهداری، تبدیل، فراوری، بوجاری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و عملیات مربوط به بازاریابی و خریدوفروش محصولات تولیدی اعضا و گیاهان دارویی
- انجام خدمات به‌منظور بهبود امور حرفه‌ای و یا زندگی اعضا مانند تهیه ماشین‌های کشاورزی و استفاده مشترک از آنها، تهیه وسایل حمل‌ونقل برای استفاده اعضا و تهیه مسکن، پیش‌بینی وسایل بهداشتی و آموزشی به‌منظور استفاده جمعی و مشترک، توزیع نیروی برق، ایجاد شبکه تلفن، تلقیح مصنوعی و اصلاح نژاد دام و مبارزه با آفات و بیماری‌های گیاهی و حیوانی، احداث آبشخور و حمام ضدکنه دام‌ها و سایر تأسیسات مشابه موردلزام برای دام‌عشایر
- تأمین اعتبارات و تسهیلات موردنیاز شرکت و اعضا از منابع مختلف مالی و اعتباری بخش‌های دولتی و غیردولتی و صندوق‌های حمایتی و قرض‌الحسنه‌ای
- پیگیری و انجام امور مربوط به خدمات بیمه‌ای و عمومی اعضا و دام آنها
- خریدوفروش و تبدیل به احسن نمودن املاک، وسایل نقلیه و سایر دارایی‌های اعضا
- احداث و اجاره انبار، ساختمان، تأسیسات و کارخانه‌های تولیدی برای اعضا و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی
- صادرات محصولات تولیدی عشایر و واردات کالاها و نهاده‌های موردنیاز عشایر
- انجام فعالیت‌های گردشگری در مناطق عشایری
- تأمین و توزیع سوخت فسیلی و انرژی‌های نو و تجهیزات آنها
- ایجاد میدان خریدوفروش دام (سازمان امور عشایر کشور، ۱۳۹۴).

روش تحقیق

با توجه به اکتشافی و به دنبال ساخت مفاهیم، الگوها و چارچوب‌ها بودن (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷)، پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و به لحاظ فلسفه پژوهش، از نوع تفسیری است. همچنین از نظر روش، کیفی و دارای رویکرد استقرایی می‌باشد. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل متون مورد استفاده، از

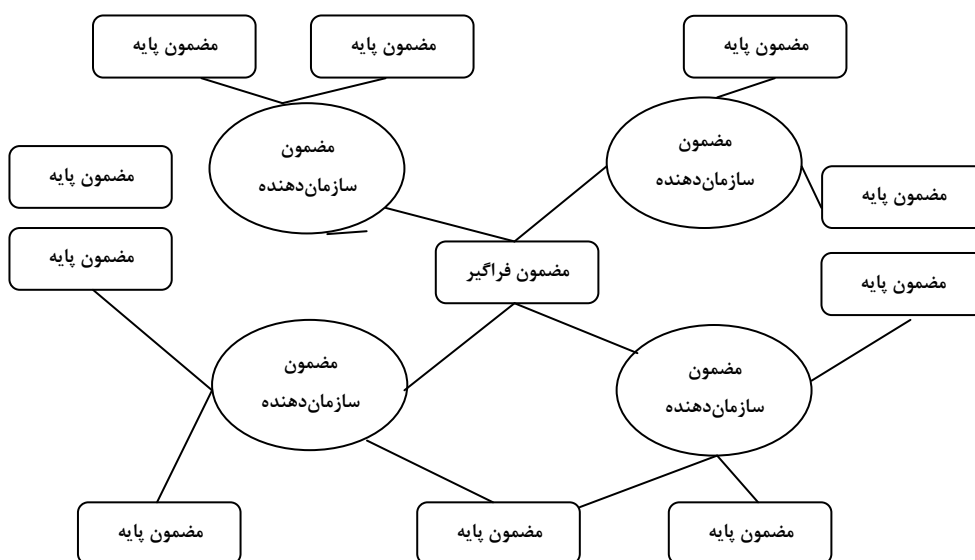
روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل اطلاعات کیفی است و در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود (نمامیان و همکاران، ۱۳۹۶).

از آنجاکه روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می‌پردازد، جمع‌آوری اطلاعات در قالب چرخه‌های برداشت از متن انجام می‌شود (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷). در واقع، محقق با طی کردن مسیر رفت‌وبرگشتی درون متن، به درک بهتری از متن می‌رسد. این مسیر تا جایی دنبال می‌شود که درک قابل‌قبولی با کمترین تناقض درونی از متن ایجاد شود (Patton, 2002). مضمون مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clark, 2006). تحلیل مضمون یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌ها و نیز تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی داده‌های کیفی است (Given, 2008). در این روش، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است. تکرار یعنی حداقل در ۲ مورد از متن بتوان موضوعی را دریافت کرد (کمالی، ۱۳۹۷). این روش، بر اساس رویه‌ای مشخص و در ۳ سطح، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی در متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) را نظام‌مند و نقشه‌ای از کل مضامین ارائه می‌کند که در آن، مضامین با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر، جای گذاری شده‌اند (Attride- Striling, 2001).

برای دستیابی به اهداف پژوهش، فرایند کیفی در ۲ مرحله صورت پذیرفت. در مرحله نخست، به دلیل تعدد مقاله‌های مرتبط با شرکت‌های تعاونی به‌طور اعم و شرکت‌های تعاونی عشایری به‌طور اخص و به‌منظور انتخاب مقاله‌های مناسب برای استخراج هرچه مؤثرتر شاخص‌ها، از روش فراترکیب با رویکرد هفت‌مرحله‌ای سندولسکی و باروسو (Sandelowski & Barroso, 2006) استفاده شد که در آن، پژوهش‌های کیفی باهم تلفیق، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها باهم مقایسه، یافته‌هایشان به زبان یکدیگر ترجمه و تفسیری نو از مجموعه آنها حاصل گردید (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۵). جامعه آماری در این بخش، کلیه مقاله‌های چاپ‌شده در مجله‌های

نمایه شده در ۳ پایگاه داخلی (Sid, Magiran, Noormags) و ۶ پایگاه اطلاعاتی معتبر بین المللی (Wiley, Sage, Emerald, Springer, Proquest, Sciencedirect) در بازه زمانی سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بود که در مجموع، به شناسایی ۲۴۰ مقاله منجر گردید. به منظور دستیابی به بهترین مقاله ها برای ورود به فرایند فراترکیب، معیارهایی چون تخصیص کلیدواژه، حیطه موضوعی، سطح دسترسی و غربالگری برای شمول و یا عدم شمول مقاله ها انتخاب و به کار گرفته شد که خروجی آنها نمونه مورد بررسی پژوهش را در این قسمت تشکیل دادند. از کل مقاله های به دست آمده، ۲۴ مقاله، که در جدول ارزیابی از سطح کیفی خیلی خوب و عالی برخوردار بودند، به عنوان نمونه مورد بررسی و به منظور استخراج اطلاعات بررسی شدند. برای استخراج شاخص های تکمیلی مرتبط با چالش های شرکت های تعاونی عشایری، در مرحله دوم پژوهش کیفی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته با رویکرد اکتشافی استفاده شد. به این منظور، با ۴ نفر از مدیران شرکت های تعاونی عشایری، ۳ نفر از استادان دانشگاه و آشنا به مسائل تعاونی ها و ۳ نفر از مدیران ارشد اداره کل امور عشایر استان مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. انتخاب مصاحبه نیمه ساختاریافته به این دلیل بود که در این روش علاوه بر امکان تبادل نظر، می توان بحث درباره موضوع را در راستای دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود (نریمانی و واعظی، ۱۳۹۶). در ابتدای مصاحبه، هدف پژوهش بیان و تأکید گردید که از مصاحبه ها فقط برای مقاصد پژوهشی استفاده خواهد شد و هویت افراد در گزارش های پژوهش ذکر نخواهد شد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری غیراحتمالی هدفمند قضاوتی با رویکرد نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد. انتخاب نمونه ها تا حصول کفایت و اشباع داده ها و اطمینان از اینکه نمونه های بعدی اطلاعات متمایزی به دست نمی دهند تداوم یافت. در نهایت، پژوهشگر با انجام ۱۴ مصاحبه، به اشباع نظری رسید. به طور کلی، با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد ۱۰ تا ۱۵ نمونه برای انجام مصاحبه کافی است (کریمی و محمدی، ۱۳۹۶).

تحلیل مضمون مجموعه گسترده‌ای از روش‌ها و فنون (قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای) را دربر می‌گیرد. در این مطالعه، روش شبکه مضامین روش مناسبی برای تحلیل مضمون تشخیص داده شد. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند، نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (نمایان و همکاران، ۱۳۹۶). شبکه مضامین، بر اساس روند مشخص، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را نظام‌مند می‌کند، سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله‌مراتب میان آنها از بین برود و باعث شناوری مضامین شود تا بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود (همان، ۱۳۹۶). گفتنی است شبکه مضامین رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی نیست، بلکه تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته درون متن است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷). در شکل ۱، ساختار یک شبکه مضامین نشان داده شده است.



شکل ۱. ساختار یک شبکه مضامین

منبع: واعظی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۳

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان تحقیق

مصاحبه‌شونده	سن	سطح تحصیلات	سابقه شغلی	مصاحبه‌شونده	سن	سطح تحصیلات	سابقه شغلی
۱	۵۲	لیسانس	۲۵	۶	۳۵	ارشد	۲۲
۲	۴۰	کارشناسی	۱۸	۷	۵۴	دکتری	۱۵
۳	۴۹	دکتری	۲۰	۸	۵۸	ارشد	۳۰
۴	۴۳	ارشد	۱۲	۹	۴۱	ارشد	۱۵
۵	۳۸	ارشد	۲۴	۱۰	۵۰	دکتری	۲۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در پژوهش کمی می‌توان روایی را این‌گونه تعریف کرد که پژوهش دقیقاً چه اندازه، آنچه قرار است بسنجد را می‌سنجد؛ اما این تعریف در پژوهش‌های کیفی چندان جایگاهی ندارد، زیرا هدف، ارزیابی و سنجش چیزی نیست، بلکه درک و شناخت موضوعی است (کریمی و محمدی، ۱۳۹۶). نظریه‌پردازان معتقدند که به‌جای دو واژه روایی و پایایی، در پژوهش‌های کیفی باید از واژه اعتمادپذیری استفاده کرد (Patton, 2002؛ الوانی و همکاران، ۱۳۹۰). پایایی به همسانی نتایج حاصل از مصاحبه و اعتبار و توانایی مصاحبه در سنجش اهداف مدنظر اطلاق می‌شود (کریمی و محمدی، ۱۳۹۶). اعتبار به میزانی گفته می‌شود که یک روش قادر است هدف مطالعه را بسنجد. در پژوهش حاضر، از روش پایایی بین دو کدگذار برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. به این منظور، از یک استاد دانشگاه، که بر موضوع پژوهش اشراف داشت، درخواست شد به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار)، در این پژوهش مشارکت کند. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، سه مصاحبه را کدگذاری و درصد توافق درون موضوعی را، که به‌عنوان شاخص پایایی پژوهش به کار می‌رود، با استفاده از فرمول زیر محاسبه کرد:

$$۱۰۰ \times \text{تعداد کل کدها} / ۲ \times \text{تعداد توافقات به دست آمده} = \text{درصد توافق درون گروهی}$$

به منظور استخراج میزان و تعداد توافقات، پرسش‌نامه‌ای حاوی عناوین مضامین، به همراه نمونه‌های کدگذاری باز در اختیار مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفت و میزان توافقات از طریق پرسش‌های گزینه‌ای تطابق زیاد، متوسط و کم مورد سؤال واقع شد. چنانچه مشارکت‌کننده گزینه کم یا متوسط را انتخاب نماید، به معنای عدم توافق و در صورتی که گزینه زیاد را برگزیند، به معنای توافق است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷).

با توجه به مسئله اصلی پژوهش، این پرسش که چالش‌های اساسی شرکت‌های تعاونی عشایری در سطح استان کدام‌اند؟ به‌عنوان سؤال اصلی مصاحبه‌ها در نظر گرفته شد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته در پژوهش، برابر ۰/۸۱ است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه مناسب است. اندازه معمول ضریب پایایی موردپذیرش برای اکثر تحقیقات بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد است و تحقیقاتی که ضریب پایایی آنها کمتر از ۷۰ درصد باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل مواجه خواهند شد (رایف، ۱۳۸۱؛ واعظی و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۲. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی دو کدگذار
۱	۱۱	۲۱	۹	۰/۸۶
۲	۱۲	۲۶	۱۱	۰/۸۵
۳	۱۳	۲۲	۸	۰/۷۳
	کل	۶۹	۲۸	۰/۸۱

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

در نخستین گام، پژوهشگر با رعایت اصول اخلاقی پژوهش‌های کیفی و رضایت کامل مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌ها را ضبط نمود. ابتدا نخستین مصاحبه به‌طور دقیق به متن برگردانده شد و کدگذاری به‌صورت پاراگراف به پاراگراف صورت گرفت. نکات کلیدی در متن مصاحبه‌ها در رابطه با شناسایی چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری احصا شد و پس از کدگذاری اولیه تا سطح تعیین مضامین پایه ادامه یافت. این روند تا مصاحبه چهاردهم و اشباع نظری به کار گرفته شد. در این مرحله از متن مصاحبه‌ها، ۸۶ کد اولیه که قدرت مفهومی بیشتری داشتند، استخراج

شد. برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون، که در پژوهش‌های کیفی کاربرد زیادی دارد، استفاده شد. در جدول ۳، به منظور طولانی‌نشدن مقاله، ۲ نمونه (I2 و I9) از احصای کدهای اولیه از مصاحبه‌ها (II تا II4) نشان داده شده است.

جدول ۳. نمونه احصای کدهای اولیه از مصاحبه‌ها

کد اولیه	توصیف کد	کد مصاحبه	تعداد تکرار (مراجعه)	نمونه مصاحبه
	عدم اعتماد واقعی	I2	۱۰	عدم سوددهی تعاونی اعتماد را در بین اعضا از بین برده است
	معضل اجتماعی	I9	۸	هر فرد تنها مشکلات خودش را می‌بیند و مشکلات دیگر اعضا را در نظر نمی‌گیرد

منبع: یافته‌های تحقیق

درگام دوم، مضامین پایه از کدهای اولیه استخراج شدند که هم‌زمان با اشباع نظری و با تعیین شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ۶۵ مضمون پایه شناسایی شدند. درگام سوم، مضامین پایه دارای بیشترین قرابت معنایی و مفهومی کنار یکدیگر قرار گرفتند و مضامین سازمان‌دهنده از آنها احصا شد. درحقیقت، مضامین سازمان‌دهنده (اصلی) همان پاسخ به سؤالات استخراج‌شده پژوهش از داده‌های کیفی بودند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). در این مطالعه، در مجموع، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده از مجموع ۶۵ مضمون پایه مبین چالش‌ها و مشکلات شرکت‌های تعاونی عشایری شناسایی شدند (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج احصای مضامین سازمان‌دهنده از مضامین پایه

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد اولیه
	وابستگی تعاونی‌ها به دولت	عدم استقلال کامل تعاونی‌های عشایری و دخالت‌های بی‌مورد بخش دولتی در تعاونی‌ها
سیاستی - دولتی	ضعف قوانین دولتی	شفاف نبودن قوانین مربوط به تعاونی‌های عشایری
	وجود بازار خاکستری	وجود واسطه و دلال‌های نیرومند در روستاها و مناطق عشایری
	ساختار خشک و سلسله-مراتبی شرکت‌ها	وجود دیوان‌سالاری و ضعف در ساختار اداری تعاونی‌های عشایری

مضمین	مضمین پایه	کد اولیه
سازمان دهنده	بیکاری فصلی	وجود بیکاری فصلی و نبود محصول در تعاونی‌های عشایری
محیطی	حاصلخیز نبودن اراضی	کاهش حاصلخیزی زمین‌ها و در نتیجه، کاهش سطح محصول و سود تعاونی‌ها
	خشک‌سالی	بروز گاه‌وبیگاه خشک‌سالی و تأثیر مستقیم آن بر کسب سود تعاونی‌ها
سرمایه انسانی	فساد اداری	کارکنان اداری شرکت‌های تعاونی با پارتی‌بازی سر کارند
	عدم تقسیم درست وظایف	کارکنان شرکت بر اساس توانایی‌هایشان در جای خود قرار نگرفته‌اند
حمایتی	فقدان نیروی انسانی ماهر	نیروی متخصص و ماهر در تعاونی وجود ندارد
	بی‌توجهی به مشکلات	بی‌توجهی مسئولان اداره تعاونی به مشکلات تعاونی
	ضعف حمایت و نظارت درست	عدم بازدیدهای دوره‌ای مناسب اداره تعاون و امور عشایری از شرکت‌های تعاونی، عدم حمایت از فروش محصولات تولیدشده به علت بعد مسافت و دوری از بازارهای فروش
	وعده و وعید نابجا و پوچ	دادن وعده و وعیدهای پوچ از جانب مسئولان به تعاونی‌های عشایری
	واردات کالا به جای حمایت	توجه و سوگیری دولت به سمت واردات کالا به جای حمایت از تولیدات تعاونی‌ها
	موازی کاری	وجود و تعدد موازی کاری در فعالیت‌های تشکلی‌ها و تعاونی‌های عشایری در منطقه
فنی	عدم کارایی رقابتی	نبود شرایط رقابت‌پذیری کارآمد میان تعاونی‌های عشایری
	فقدان تجهیزات و امکانات	عدم دسترسی تعاونی‌های عشایری به امکانات و تجهیزات موردنیاز
	فقدان مهارت‌های فروش مولد	پایین بودن مهارت فروشندگان تعاونی در جذب مشتری و کسب سود
	کمبود خلاقیت و نوآوری	نبود خلاقیت و نوآوری در کار شرکت‌های تعاونی عشایری
	عدم آگاهی کافی	عدم آشنایی با پیچیدگی فرایند کسب‌وکار
آموزشی	ضعف آموزشی	عدم آشنایی اعضا با اصول و فنون تعاون و فناوری‌ها و نوآوری‌ها، برگزار نشدن دوره‌های آموزشی مهارت ارتباطی، عدم برخورداری از آموزش‌های فنی
	عدم ورود به دوره‌های کارورزی	عدم شرکت اعضا در دوره‌های کارورزی
	فقدان نیازسنجی	بی‌توجهی تعاونی‌ها به نیازهای آموزشی اعضا
	نبود ارتباط مناسب	نبود ارتباط مناسب بین نظام‌های آموزشی و محیط کسب‌وکار
	فقدان آموزش فنون مدیریت	عدم آموزش شیوه‌ها و فنون مدیریت به اعضای تعاونی‌های عشایری

مضمین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد اولیه
مدیریتی	ضعف دانش و آگاهی مدیران	نبود تجربه‌های قبلی مدیران تعاونی‌ها، کمبود آگاهی مدیران و کارکنان تعاونی‌ها برای اداره تعاونی‌ها
	فقدان دانش راهبردی	عدم توانایی مدیریت در مقابله با تهدیدات و استفاده از فرصت‌ها
	فقدان مهارت‌های نوین مدیریتی	اعمال مدیریت سنتی توسط مدیران تعاونی‌ها به جای مدیریت علمی، عدم سازمان‌دهی مناسب اعضای تعاونی‌ها
	عدم تنوع فعالیت‌ها	عدم ایجاد تنوع در فعالیت‌های تعاونی‌ها توسط مدیران
	بی‌توجهی به بازار	عدم آگاهی مدیران از شرایط حاکم بر بازار محصولات
	عدم ثبات مدیریت	تغییرات پی‌درپی مدیران شرکت‌های تعاونی عشایری
زیرساختی - نهادی	کمبود اطلاعات	فراهم نبودن اطلاعات و آمار دقیق
	ضعف مدیریت حرفه‌ای	عدم مدیریت حرفه‌ای تعاونی‌ها و نداشتن برنامه بلندمدت و میان‌مدت در اکثر اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی
	بی‌توجهی دولت به مفاد قانون شرکت‌ها	عدم رعایت اولویت تخفیفات مقرر در قانون و یا دستورالعمل و بخشنامه‌های صادره از مراجع قانون‌گذار در خصوص شرکت‌های تعاونی، شفاف نبودن ارتباط میان نظام تعاونی‌های عشایری و قانون بخش تعاون
	بستر نامناسب فعالیت	فقدان بستر مناسب جهت توسعه فعالیت‌های اقتصادی در قالب تعاونی‌ها
	نامشخص بودن وضعیت مالکیت	نامشخص بودن وضعیت مالکیت و نگهداری بخشی از دارایی‌های دولتی در اختیار تعاونی‌ها
	عدم تجانس شرکت‌ها	عدم تجانس شرکت‌ها با یکدیگر و اختلاف شدید در وضعیت تعاونی‌ها
	بی‌عدالتی در توزیع سود	عدم توزیع سود و اعلام نشدن آن به اعضا در برخی از شرکت‌های تعاونی و در نتیجه، بی‌علاقگی عشایر به افزایش حجم سرمایه‌گذاری
	تعداد فراوان کارکنان	بالا بودن تعداد کارکنان بعضی از شرکت‌های تعاونی عشایری
	بی‌توجهی به توانمندی تعاونی‌ها	عدم استفاده از توانمندی‌های شبکه تعاونی‌های عشایری از طریق مبادلات
	نادیده گرفتن اساسنامه تعاونی‌ها	عدم اجرای کامل مفاد اساسنامه توسط مسئولان تعاونی‌ها
فقدان دفتر کار و تجهیزات	کمبود یا فقدان انبار یا سردخانه و حتی دفتر کار ثابت	
مدیریت موروثی	مدیریت موروثی تشکل‌ها	

مضمین سازمان‌دهنده	مضمین پایه	کد اولیه
	سرمایه و پس‌انداز سرمایه	کمبود اعتبار و سرمایه کافی، محدودیت سرمایه‌های دولتی و غیردولتی، عدم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری عشایر در تعاونی‌ها، عدم توانایی جذب سرمایه‌گذار در طرح‌های سرمایه‌بر
	فقدان کارآفرینی فرهنگ ناسالم اقتصادی	عدم برنامه‌ریزی در زمینه‌های اقتصادی نبود فرهنگ اقتصادی سالم (رانت و ...) در گرفتن کار و اخذ درآمد طولانی بودن فرایند اعطای تسهیلات از زمان درخواست تا مرحله عقد قرارداد و اخذ وام، مشکلات موجود در تأمین وثایق موردنیاز بانک‌ها برای اکثر تعاونی‌ها، نبود یا نامناسب بودن خدمات مالی، عدم وجود مؤسسات مالی حمایت‌کننده تعاونی‌ها
اقتصادی	بدهکاری تعاونی‌ها	بدهی زیاد تعاونی‌ها به دلیل بالا بودن هزینه‌های اداری، بدهی زیاد تعاونی‌ها به دلیل بالا بودن هزینه‌های اجاره
	بی‌ثباتی قیمت‌ها و ضعف بازاریابی	عدم ثبات قیمت مواد اولیه شرکت‌های تعاونی در کشور، ضعف یا نبود بازاریابی مناسب، تمایل عشایر به خرید از فروشگاه‌های خصوصی به جای شرکت‌های تعاونی
	عدم سودآوری	پایین بودن میزان سود تولید در بخش کشاورزی نسبت به خدمات و مسکن، پایین بودن سهم تعاونی‌های عشایری در اقتصاد جامعه عشایری، عدم انجام فعالیت‌های اقتصادی سودآور در شرکت‌های تعاونی عشایری
	عدم عرضه در تالار بورس عدم جامعیت شرکت‌ها	بی‌توجهی به ظرفیت بورس کالا برای عرضه محصولات کشاورزی و عشایری جامع نبودن فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی عشایری
	فردی (شخصیتی) اعتماد فقدان نوآوری و ریسک‌پذیری	بالا بودن سن عشایر عضو تعاونی‌ها، پایین بودن سطح سواد فعالان اقتصادی نبود اعتماد متقابل بین اعضا و مسئولان تعاونی عدم استقبال از خطر و فقدان روحیه خطرپذیری
	عدم ارتباط دوسویه	فقدان برقراری ارتباط منطقی اعضا با شرکت‌های تعاونی، عدم استفاده از تجربیات تعاونی‌های دیگر
اجتماعی - فرهنگی	عدم رعایت اصل دموکراسی در انتخاب مدیر خدمات ناکافی فردگرایی	عدم انتخاب دموکراتیک مدیرعامل توسط هیئت‌مدیره شرکت‌های تعاونی عدم ارائه خدمات کافی به اعضا توسط تعاونی در نظر گرفتن منافع شخصی به جای منافع گروهی و بی‌توجهی به مشکلات تعاونی
	فقدان مشارکت مشکلات پراکندگی عشایر کوچ عشایر	پایین بودن سطح مشارکت روستاییان پراکندگی بیش‌ازاندازه عشایر مشکلات مربوط به کوچ عشایر و در نتیجه، بروز مشکلاتی در زمینه

مضمین سازمان‌دهنده	مضمین پایه	کد اولیه
اجتماعی - فرهنگی	اثر فرهنگ قومی مقاومت در برابر تغییر و قائل شدن به دانش بومی مهجور بودن فرهنگ تعاون	بازپرداخت وام‌ها و یا برگزاری مجمع عمومی تعاونی‌ها وجود فرهنگ قوی و قبیله‌ای در جامعه عشایری و آثار آن بر اداره تعاونی‌ها خو گرفتن مجموعه تعاونی‌های عشایری با روش‌های گذشته و مقاومت در مقابل تغییرات آشنایی ناکافی و نامناسب جامعه عشایری با فرهنگ تعاون رسمی و بی‌اطلاعی عشایر از تعاونی و مزایای آن

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول ۵، فراوانی تکرار مضامین فرعی (مضمین پایه) ارائه شده است.

جدول ۵. فراوانی تکرار مضامین فرعی

تکرار	مضمون پایه	ردیف	تکرار	مضمون پایه	ردیف
۱۰	بی‌توجهی به مفاد قانون شرکت‌ها از سوی دولت	۳۴	۱۲	وابستگی تعاونی‌ها به دولت	۱
۱۲	بستر نامناسب فعالیت	۳۵	۱۰	ضعف قوانین دولتی	۲
۹	نامشخص بودن وضعیت مالکیت	۳۶	۵	وجود بازار خاکستری	۳
۴	عدم تجانس شرکت‌ها	۳۷	۹	ساختار خشک و سلسله‌مراتبی شرکت‌ها	۴
۱۲	بی‌عدالتی در توزیع سود	۳۸	۶	بیکاری فصلی	۵
۱۰	حجم بالای تعداد کارکنان	۳۹	۷	حاصلخیز نبودن اراضی	۶
۹	بی‌توجهی به توانمندی تعاونی‌ها	۴۰	۱۴	خشک‌سالی	۷
۱۲	نادیده گرفتن اساسنامه تعاونی‌ها	۴۱	۷	فساد اداری	۸
۱۴	فقدان دفتر کار و تجهیزات	۴۲	۱۲	عدم تقسیم درست وظایف	۹
۵	مدیریت موروثی	۴۳	۱۰	فقدان نیروی انسانی ماهر	۱۰
۱۵	سرمایه و پس‌انداز سرمایه	۴۴	۸	بی‌توجهی به مشکلات	۱۱
۱۴	فقدان کارآفرینی	۴۵	۱۵	ضعف حمایت و نظارت درست	۱۲
۱۳	فرهنگ ناسالم اقتصادی	۴۶	۱۲	وعده و وعید نابجا و پوچ	۱۳
۱۵	تسهیلات بانکی	۴۷	۱۰	واردات کالا به جای حمایت	۱۴
۱۴	بدهکاری تعاونی‌ها	۴۸	۸	موازی‌کاری	۱۵
۱۵	بی‌ثباتی قیمت‌ها و ضعف بازاریابی	۴۹	۳	عدم کارایی رقابتی	۱۶
۱۵	عدم سودآوری	۵۰	۸	فقدان تجهیزات و امکانات	۱۷
۲	عدم عرضه در تالار بورس	۵۱	۶	فقدان مهارت‌های فروش مولد	۱۸
۳	عدم جامعیت شرکت‌ها	۵۲	۱۲	کمبود خلاقیت و نوآوری	۱۹

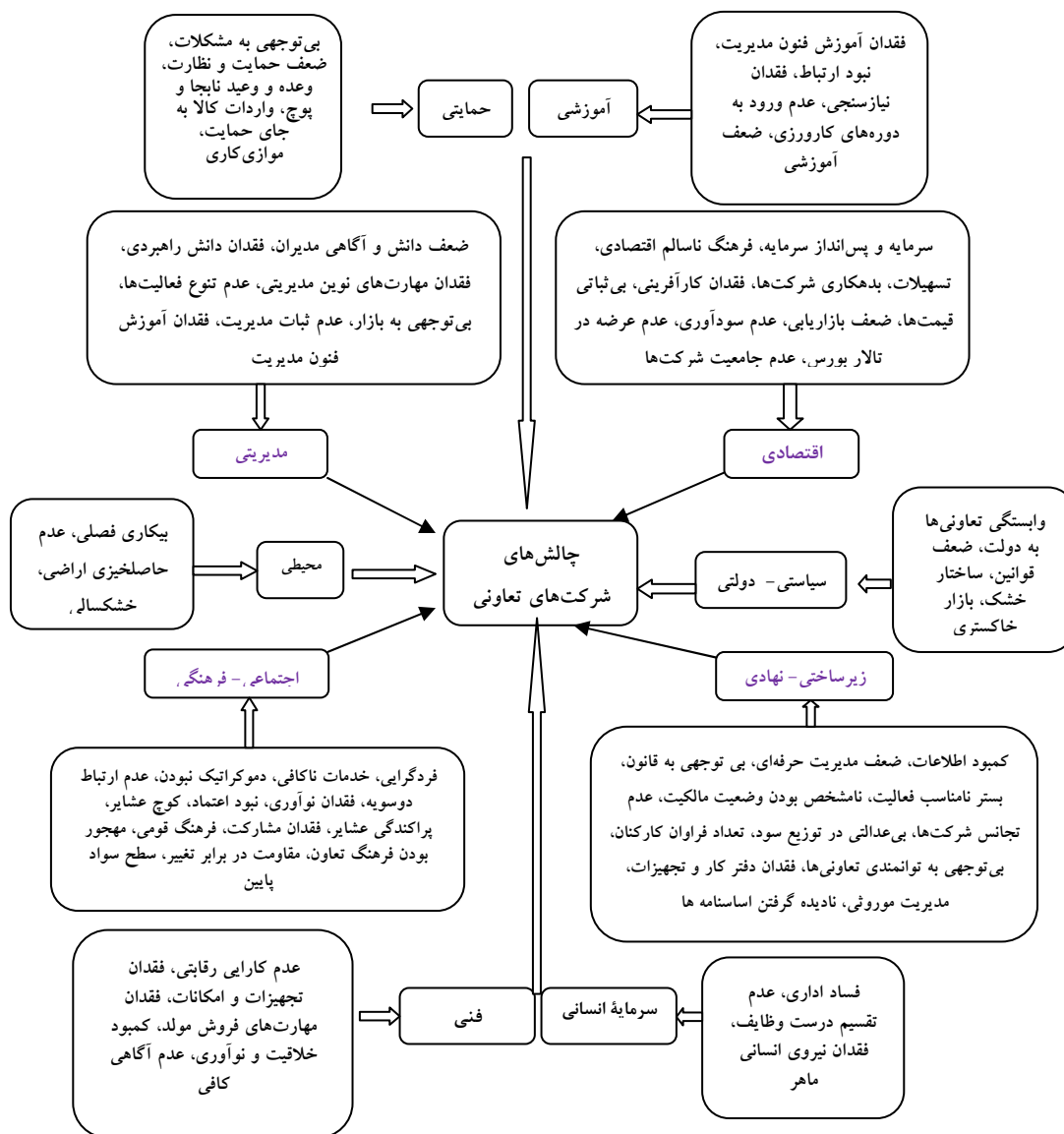
تعاون و کشاورزی - شماره ۳۰		۱۴۸	
ردیف	مضمون پایه	تکرار	ردیف
۲۰	عدم آگاهی کافی	۱۲	۵۳
۲۱	ضعف آموزشی	۹	۵۴
۲۲	عدم ورود به دوره‌های کارورزی	۳	۵۵
۲۳	فقدان نیازسنجی	۵	۵۶
۲۴	نبود ارتباط مناسب	۷	۵۷
۲۵	فقدان آموزش فنون مدیریت	۸	۵۸
۲۶	ضعف دانش و آگاهی مدیران	۹	۵۹
۲۷	فقدان دانش راهبردی	۴	۶۰
۲۸	فقدان مهارت‌های نوین مدیریتی	۹	۶۱
۲۹	عدم تنوع فعالیت‌ها	۱۲	۶۲
۳۰	بی‌توجهی به بازار	۱۳	۶۳
۳۱	عدم ثبات مدیریت	۱۴	۶۴
۳۲	کمبود اطلاعات	۱۲	۶۵
۳۳	ضعف مدیریت حرفه‌ای	۱۲	

منبع: یافته‌های تحقیق

در گام چهارم، پژوهشگر با به‌کارگیری سازه‌های شعوری و اصطلاحات فنی مستخرج از پیشینه نظری و تخصصی تحلیل (نریمانی و واعظی، ۱۳۹۶) و با توجه به زبانی که مصاحبه‌شوندگان به‌کار بردند، مضامین فراگیر را برگزید و به‌طور نظام‌مند به مقوله‌های مرتبط پیوند داد. هنگامی که کفایت نظری حاصل شد، هسته مرکزی تشکیل‌دهنده چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری استان شکل گرفت که دربرگیرنده مضامین اقتصادی، زیرساختی- نهادی، مدیریتی و فرهنگی- اجتماعی بود.

در گام پنجم، شبکه مضامین به‌منظور تسهیل تصویرسازی از مضامین، با هدف ادراک موضوع یا کشف معنای ایده ترسیم شد (Attride - Striling, 2001). در این مرحله، ضمن بررسی همخوانی مضامین با کدهای مستخرج و مرتب نمودن مضامین، به ترسیم مضامین پایه،

سازمان‌دهنده و فراگیر پرداخته شد. بر این اساس، در شکل ۲، مدل نهایی پژوهش در قالب شبکه مضامین ارائه شده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش در قالب شبکه مضامین

در کل، نتایج تحلیل توصیفی مصاحبه‌های میدانی و اجرا و کدگذاری آنها نشان داد که در بین مضمون‌های سازمان‌دهنده (اصلی) چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری، «چالش‌های زیرساختی - نهادی» با ۱۱۹ تکرار بیشترین فراوانی و در واقع، بالاترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. این مضمون اصلی خود دربرگیرنده مضامین فرعی (پایه) زیر است:

کمبود اطلاعات، ضعف مدیریت حرفه‌ای، بی‌توجهی دولت به مفاد قانون شرکت‌ها، بستر نامناسب فعالیت، نامشخص بودن وضعیت مالکیت، عدم تجانس شرکت‌ها، بی‌عدالتی در توزیع سود، تعداد فراوان کارکنان، بی‌توجهی به توانمندی تعاونی‌ها، نادیده گرفتن اساسنامه تعاونی‌ها، فقدان دفتر کار و تجهیزات و مدیریت موروثی بر شرکت‌های تعاونی عشایری.

دومین مضمون اصلی با بیشترین تکرار «چالش‌های اجتماعی - فرهنگی» با ۱۱۱ تکرار بوده است. این مضمون شامل مضامین فرعی فردی، اعتماد، فقدان نوآوری و ریسک‌پذیری، عدم ارتباط دوسویه، عدم رعایت اصل دموکراسی در انتخاب مدیر، خدمات ناکافی، فردگرایی، فقدان مشارکت، مشکلات پراکندگی عشایر، کوچ عشایر، اثر فرهنگ قومی، مقاومت در برابر تغییر و قائل شدن به دانش بومی و مهجور بودن فرهنگ تعاون بوده است.

«چالش‌های اقتصادی» سومین مضمون اصلی بوده که پاسخگویان ۱۰۶ بار به آن اشاره نموده‌اند و خود شامل مضامین فرعی سرمایه و پس‌انداز سرمایه، فقدان روحیه کارآفرینی، فرهنگ ناسالم اقتصادی، تسهیلات بانکی، بدهکاری تعاونی‌ها، بی‌ثباتی قیمت‌ها و ضعف بازاریابی، عدم سودآوری، عدم عرضه در تالار بورس و عدم جامعیت شرکت‌هاست.

چهارمین مضمون اصلی «چالش‌های مدیریتی» بوده که مصاحبه‌شوندگان در خلال مصاحبه‌ها ۶۲ بار به آن اشاره نموده‌اند. این مضمون شامل مضامین فرعی ضعف دانش و آگاهی مدیران، فقدان دانش راهبردی، فقدان مهارت‌های نوین مدیریتی، عدم تنوع فعالیت‌ها، بی‌توجهی به بازار و عدم ثبات مدیریت بوده است.

اعتبارسنجی مدل

پس از طراحی مدل به دست آمده بر اساس نتایج مصاحبه‌ها، این مدل بار دیگر در قالب پرسش‌نامه اعتبارسنجی مدل، در اختیار ۴ نفر از خبرگان دانشگاهی قرار گرفت تا دیدگاه‌های آنان در خصوص تناسب مضامین پایه با مضامین سازمان‌دهنده اخذ شود. برای تعیین اعتبار مدل از روایی سازه به روش صوری استفاده شد. یادآور می‌شود که در صورت تأیید ۷۵ درصد از خبرگان و صاحب‌نظران، مدل دارای اعتبار است (مهرگان و زالی، ۱۳۸۵). با استفاده از نرم‌افزار SPSS میانگین نظرهای خبرگان، به عنوان درصد تناسب مضامین، محاسبه شد تا تناسب یا عدم تناسب مضامین مشخص شود (جدول ۶).

جدول ۶. تجزیه و تحلیل کمی تناسب مضامین پایه با مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	میانگین (درصد تناسب)	تأیید / رد تناسب
۱	سیاستی - دولتی	وابستگی تعاونی‌ها به دولت	٪۸۲	تأیید
		ضعف قوانین دولتی	٪۹۰	تأیید
		وجود بازار خاکستری	٪۷۵	تأیید
		ساختار خشک و سلسله‌مراتبی شرکت‌ها	٪۸۰	تأیید
۲	محیطی	بیکاری فصلی	٪۷۹	تأیید
		حاصلخیز نبودن اراضی	٪۸۴	تأیید
		خشک‌سالی	٪۸۰	تأیید
۳	سرمایه انسانی	فساد اداری	٪۷۹	تأیید
		عدم تقسیم درست وظایف	٪۹۴	تأیید
		فقدان نیروی انسانی ماهر	٪۹۱	تأیید
۴	حمایتی	بی‌توجهی به مشکلات	٪۹۰	تأیید
		ضعف حمایت و نظارت درست	٪۸۸	تأیید
		وعده و وعید نابجا و پوچ	٪۸۵	تأیید
		واردات کالا به جای حمایت موازی‌کاری	٪۸۰	تأیید
			٪۷۸	تأیید

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	میانگین (درصد تناسب)	تأیید / رد تناسب
۵	فنی	عدم کارایی رقابتی	٪۸۰	تأیید
		فقدان تجهیزات و امکانات	٪۸۳	تأیید
		فقدان مهارت‌های فروش مولد	٪۸۷	تأیید
		کمبود خلاقیت و نوآوری	٪۸۶	تأیید
		عدم آگاهی کافی	٪۸۷	تأیید
۶	آموزشی	ضعف آموزشی	٪۹۱	تأیید
		عدم ورود به دوره‌های کارورزی	٪۸۵	تأیید
		فقدان نیازسنجی	٪۸۲	تأیید
		نبود ارتباط مناسب	٪۸۰	تأیید
		فقدان آموزش فنون مدیریت	٪۸۰	تأیید
۷	مدیریتی	ضعف دانش و آگاهی مدیران	٪۷۵	تأیید
		فقدان دانش راهبردی	٪۷۹	تأیید
		فقدان مهارت‌های نوین مدیریتی	٪۸۰	تأیید
		عدم تنوع فعالیت‌ها	٪۸۱	تأیید
		بی‌توجهی به بازار	٪۸۵	تأیید
		عدم ثبات مدیریت	٪۸۳	تأیید
		فقدان آموزش فنون مدیریت	٪۷۸	تأیید
۸	زیرساختی - نهادی	کمبود اطلاعات	٪۸۷	تأیید
		ضعف مدیریت حرفه‌ای	٪۸۲	تأیید
		بی‌توجهی دولت به مفاد قانون شرکت‌ها	٪۸۰	تأیید
		بستر نامناسب فعالیت	٪۸۱	تأیید
		نامشخص بودن وضعیت مالکیت	٪۸۰	تأیید
		عدم تجانس شرکت‌ها	٪۷۸	تأیید
		بی‌عدالتی در توزیع سود	٪۸۹	تأیید
		تعداد فراوان کارکنان	٪۹۰	تأیید
		بی‌توجهی به توانمندی تعاونی‌ها	٪۸۵	تأیید
		نادیده گرفتن اساسنامه تعاونی‌ها	٪۷۸	تأیید
		فقدان دفتر کار و تجهیزات	٪۹۰	تأیید
		مدیریت موروثی	٪۸۵	تأیید

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	میانگین (درصد تناسب)	تأیید / رد تناسب
۹	اقتصادی	فرهنگ ناسالم اقتصادی	٪۸۷	تأیید
		تسهیلات بانکی	٪۹۶	تأیید
		بدهکاری تعاونی‌ها	٪۸۴	تأیید
		بی‌ثباتی قیمت‌ها	٪۹۴	تأیید
		ضعف بازاریابی	٪۹۱	تأیید
		عدم سودآوری	٪۹۰	تأیید
		فقدان کارآفرینی	٪۸۱	تأیید
		عدم عرضه در تالار بورس	٪۸۶	تأیید
		عدم جامعیت شرکت‌ها	٪۸۰	تأیید
		۱۰	اجتماعی - فرهنگی	نبود اعتماد
فقدان نوآوری و ریسک‌پذیری	٪۸۷			تأیید
سطح سواد پایین	٪۸۶			تأیید
عدم ارتباط دوسویه	٪۸۲			تأیید
خدمات ناکافی	٪۷۸			تأیید
فردگرایی	٪۸۰			تأیید
فقدان مشارکت	٪۸۹			تأیید
مشکلات پراکندگی عشایر	٪۹۰			تأیید
کوچ عشایر	٪۹۰			تأیید
اثر فرهنگ قومی	٪۸۸			تأیید
		مقاومت در برابر تغییر و قائل شدن به دانش بومی	٪۸۷	تأیید
		مهجور بودن فرهنگ تعاون	٪۸۱	تأیید

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول تعیین اعتبار مدل و دیدگاه‌های خبرگان دانشگاهی، مدل حاصل از نتایج

مصاحبه‌ها به‌عنوان مدل نهایی پژوهش تأیید گردید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با نگاهی اجمالی به وظایف و اهداف تعاونی‌های عشایری در راستای بهبود نظام بهره‌برداری، ارائه خدمات و سرانجام کاهش فقر و توسعه همه‌جانبه مناطق عشایری به نظر می‌رسد این شرکت‌ها در نیل به این اهداف عالی توفیق چندانی نداشته‌اند؛ از این رو، لازم است که عملکرد و دلایل عدم توفیق آنها بررسی و ارزیابی شود تا بتوان با ارائه راه‌حل‌های علمی و منطقی، به اصلاح ساختار وضع موجود همت گماشت. این تحقیق باهدف شناسایی چالش‌های تعاونی‌های عشایری استان ایلام، با بهره‌گیری از ترکیبی از ۲ رویکرد کیفی فراترکیب (با هدف دستیابی به متون مناسب برگرفته از مطالعه‌های تخصصی مربوطه) و با تحلیل مضمون مصاحبه‌های صورت‌گرفته انجام شد. در این مرحله، از متن مصاحبه‌ها ۸۶ کد اولیه، ۶۵ مضمون پایه، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و درنهایت، ۴ مضمون فراگیر شامل چالش‌های زیرساختی - نهادی، مدیریتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی استخراج گردید.

نتایج نشان داد که در بین مضمون‌های سازمان‌دهنده (اصلی) چالش‌های شرکت‌های تعاونی عشایری، «چالش‌های زیرساختی - نهادی» با دربرگرفتن مضامین فرعی یا پایه کمبود اطلاعات، ضعف مدیریت حرفه‌ای، بی‌توجهی دولت به مفاد قانون شرکت‌ها، بستر نامناسب فعالیت، نامشخص بودن وضعیت مالکیت، عدم تجانس شرکت‌ها، بی‌عدالتی در توزیع سود، تعداد فراوان کارکنان، بی‌توجهی به توانمندی تعاونی‌ها، نادیده گرفتن اساسنامه تعاونی‌ها، فقدان دفتر کار و تجهیزات و سرانجام مدیریت موروثی بر شرکت‌های تعاونی عشایری بیشترین فراوانی و درواقع، بالاترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این بخش از مطالعه با نتایج تحقیق حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، نصراللهی و همکاران (۱۳۹۴)، کریم (۱۳۹۴)، حضرتی و بابایی فینی (۱۳۹۱)، خفایی (۱۳۸۸)، پهلوانی و همکاران (۱۳۸۷)، عبدالملکی (۲۰۱۵)، دولتی و نادری (۲۰۱۱) و اوزدمیر (۲۰۰۵) همسوست.

دومین مضمون اصلی با بیشترین تکرار بعد از چالش‌های زیرساختی - نهادی، «چالش‌های اجتماعی - فرهنگی» با دربرداشتن مضامین فرعی فردی، اعتماد، فقدان نوآوری و ریسک‌پذیری،

عدم ارتباط دوسویه، عدم رعایت اصل دموکراسی در انتخاب مدیر، خدمات ناکافی، فردگرایی، فقدان مشارکت، مشکلات پراکندگی عشایر، کوچ عشایر، فرهنگ قومی، مقاومت در برابر تغییر و قائل شدن به دانش بومی و مهاجور بودن فرهنگ تعاون بوده است. یافته‌های این قسمت از مطالعه با نتایج تحقیق مهری و همکاران (۱۳۹۵)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، نصراللهی و همکاران (۱۳۹۴)، عطایی و ایزدی (۱۳۹۴)، کریم (۱۳۹۴)، بذرافشان و شاهین (۱۳۹۰)، شیخ سوئینی و قهرمان زاده (۱۳۹۰)، غفاری بیستونی (۱۳۸۹)، پهلوانی و همکاران (۱۳۸۷)، سعدی و اعظمی (۱۳۸۷)، آجیلی (۱۳۸۵)، عبدالملکی (۲۰۱۵)، برونیس و همکاران (۱۹۹۷) و کارلو و همکاران (۲۰۰۰) در یک راستاست.

«چالش‌های اقتصادی» سومین مضمون اصلی به لحاظ اهمیت و خود شامل مضامین فرعی سرمایه و پس‌انداز سرمایه، فقدان روحیه کارآفرینی، فرهنگ ناسالم اقتصادی، تسهیلات بانکی، بدهکاری تعاونی‌ها، بی‌ثباتی قیمت‌ها و ضعف بازاریابی، عدم سودآوری، عدم عرضه در تالار بورس و عدم جامعیت شرکت‌ها بود. نتایج این بخش از مطالعه با نتایج پژوهش مهری و همکاران (۱۳۹۵)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، امانیان دختی و صادقی نیا (۱۳۹۴)، عطایی و ایزدی (۱۳۹۴)، کریم (۱۳۹۴)، آریان پور و همکاران (۱۳۹۳)، صفرپور و همکاران (۱۳۹۳)، بذرافشان و شاهین (۱۳۹۰)، غفاری بیستونی (۱۳۸۹)، کرباسی و همکاران (۱۳۸۸)، قدیری مقدم و نعمتی (۱۳۹۰)، پهلوانی و همکاران (۱۳۸۷)، سعدی و اعظمی (۱۳۸۷)، آجیلی (۱۳۸۵)، عبدالملکی (۲۰۱۵)، برونیس و همکاران (۱۹۹۷)، کوتسو و همکاران (۲۰۱۴)، دولتی و نادری (۲۰۱۱)، اوزدمیر (۲۰۰۵)، پامپل (۲۰۰۷)، رودریگوئز و کالچ (۲۰۱۰)، آنال و همکاران (۲۰۰۹) و دولتر و همکاران (۲۰۰۸)، همسوست.

آخرین مضمون اصلی «چالش‌های مدیریتی» با مضامین فرعی ضعف دانش و آگاهی مدیران، فقدان دانش راهبردی، فقدان مهارت‌های نوین مدیریتی، عدم تنوع فعالیت‌ها، بی‌توجهی به بازار و عدم ثبات مدیریت بود. یافته‌های حاصل از این قسمت مطالعه با نتایج تحقیقات حیدری و

همکاران (۱۳۹۴)، نصراللهی و همکاران (۱۳۹۴)، عطایی و ایزدی (۱۳۹۴)، آریان پور و همکاران (۱۳۹۳)، صفرپور و همکاران (۱۳۹۳)، حضرتی و بابایی فینی (۱۳۹۱)، فیروزآبادی و حسینی (۱۳۹۰)، قدیری مقدم و نعمتی (۱۳۹۰)، کرباسی و همکاران (۱۳۸۸)، خفایی (۱۳۸۸)، پهلوانی و همکاران (۱۳۸۷)، سعدی و اعظمی (۱۳۸۷)، آجیلی (۱۳۸۵)، گوتسو و همکاران (۲۰۱۴)، دولتر و همکاران (۲۰۰۸)، اوزدمیر (۲۰۰۵)، واندروالد (۲۰۰۵)، رودریگوئز و کالج (۲۰۱۰)، برونیس و همکاران (۱۹۹۷) و بتوراکی (۲۰۰۰) همراستا.

با توجه به نتایج پژوهش و شناسایی ۴ چالش اساسی زیرساختی - نهادی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی، به‌عنوان مضامین فراگیر مطالعه حاضر، به‌منظور کمک به برنامه‌ریزان و مجریان طرح‌های مرتبط با فعالیت‌های تعاونی‌های عشایری و دستیابی به نتایج اثربخش در آینده، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

در زمینه چالش‌های زیرساختی-نهادی (پرتکرارترین مضمون فراگیر موردنظر مصاحبه‌شوندگان):

- توسعه زیرساخت‌های مناطق عشایری استان از طریق هماهنگی نهادی اداره کل امور عشایر و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- رعایت اولویت تخفیفات مقرر در قانون و یا دستورالعمل و بخشنامه‌های صادره از مراجع قانون‌گذار در خصوص شرکت‌های تعاونی
- در زمینه چالش‌های اجتماعی- فرهنگی:
 - فرهنگ‌سازی مناسب در راستای تقویت نگرش مثبت به تعاون و کار جمعی
 - مساعدت و حمایت سایر دستگاه‌ها از جمله امور عشایری، اداره غله و بازرگانی در ارتباط با تفاهم‌نامه‌های منعقد و تقویت روحیه کار جمعی در اعضای تعاونی‌های عشایری
 - کمک به افزایش سطح سواد در جامعه عشایری به‌منظور توسعه تعاونی‌ها
 - ایجاد ارتباط بیشتر بین تعاونی‌های عشایری و تعاونی‌های روستایی و کل این تعاونی‌ها با سایر تعاونی‌های کشور

در زمینه چالش‌های اقتصادی:

- جلوگیری از ورشکستگی تعاونی‌های عشایری با پرداخت تسهیلات مالی با شرایط آسان نظیر وام کم‌بهره و غیره توسط سازمان امور عشایری با همکاری نهادهای مالی و اعتباری
- همراهی و همکاری اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اداره امور عشایری جهت کمک به بازاریابی محصولات تولیدی شرکت‌های تعاونی عشایری از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی در مناطق عشایری
- بازنگری در قانون مالیات‌های مستقیم و حذف مالیات و یا کاهش ضرایب مالیاتی برای شرکت‌های تعاونی عشایری

- توجه شایسته به تعاونی‌های عشایری در کارگروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان

در زمینه چالش‌های مدیریتی:

- عدم دخالت بی‌مورد دولت در تعاونی‌ها نظیر جلوگیری از مأمور شدن نیروهای دولتی در شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی
- واگذاری دائم یا موقت امکانات دولتی در اختیار تعاونی‌ها به خود این شرکت‌ها و اتحادیه‌ها و همچنین واگذاری بخشی از وظایف دولتی به اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی عشایری
- انتخاب افرادی مجرب و تحصیل کرده به‌عنوان هیئت‌مدیره و کارکنان تعاونی
- تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دقیق، جامع، اصولی و واقع‌بینانه بر اساس مشکلات و نیازهای تعاونی به‌منظور نظام‌مند کردن فعالیت‌های این تشکل از طریق برگزاری جلسات عمومی اعضا و هیئت‌مدیره تعاونی

منابع

آجیلی، ع. (۱۳۸۵). بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان و ارائه راه‌های ارتقاء کمی و کیفی آنها. وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان خوزستان.

- آریان پور، ب.، اللهیاری، م. ص. و عابدی، م. (۱۳۹۳). نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاون روستایی استان گیلان. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۳(۱۱)، ۱۴۳ - ۱۶۵.
- احمدپور، ا.، مختاری، و. و پورسعید، ع. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی استان ایلام. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۷(۳)، ۱۰۵ - ۱۴۲.
- اداره کل امور عشایر استان ایلام (۱۳۹۶). گزارش وضعیت شرکت‌های تعاونی عشایری فعال، راکد و در حال اجرا. بازیابی شده از [WWW http:// Ashayer-ilam.ir/index.aspx](http://WWW.Ashayer-ilam.ir/index.aspx)
- الوانی، س. م.، آذر، آ. و دانایی‌فرد، ح. (۱۳۹۰). روش‌شناسی تحقیق کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- امانیان دختی، پ. و صادقی‌نیا، س. (۱۳۹۴). نقش تعاونی‌های روستایی در میزان درآمدزایی و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۱۱)، ۱۰۱ - ۱۱۳.
- بذرافشان، ج. و شاهین، ح. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام. فروردین ۱۳۹۰، زاهدان.
- پهلوانی، م.، کریم، م. ح. و قربانی، ح. (۱۳۸۷). بررسی و نظرسنجی درباره مشکلات و توانمندی‌های بخش تعاون در استان سیستان و بلوچستان. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۱(۱)، ۱۰۱ - ۱۲۹.
- تفویضی ونی، آ.، پیدایی، م. م. و سام دلیری، ب. (۱۳۹۴). پیش‌بینی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی کوچک و متوسط با استفاده از شبکه عصبی. *ماهنامه کار و جامعه*، شماره ۱۹۰، ۳۰ - ۴۸.
- جمعه پور، م. و طالبی، م. ع. (۱۳۹۰). بررسی نقش تعاونی‌های مرزنشینان در توسعه مناطق مرزی خراسان جنوبی، مورد مطالعه: تعاونی مرزنشینان شهرستان درمیان. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۰، ۶۵ - ۱۰۲.

- حضرتی، م. و بابایی فینی، ا. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر بر غیرفعال شدن تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از تحلیل دلفی (مطالعه موردی: شهرستان خدابنده). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲(۶)، ۹۳ - ۱۰۳.
- حیدری، ح.، علی بیگی، ا.ح. و بینائیان، ا. (۱۳۹۴). موانع و راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۴(۱۴)، ۸۹ - ۱۰۹.
- خسروی پور، ب.، برادران، م.، روحی نژاد، م. و مهرباب قوچانی، ا. (۱۳۹۳). بررسی اهمیت و نقش شرکت‌های تعاونی در بخش کشاورزی. ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۷۵، ۲۴ - ۳۴.
- خفایی، ب. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت شرکت‌های تعاونی بخش کشاورزی در شهرستان‌های بوشهر و دشتستان. فصلنامه تعاون، ۲۰(۲۱۲)، ۱۸۳ - ۲۰۰.
- دهقانی زاده، م. (۱۳۹۰). تحلیل زیان دهی تعاونی‌های روستایی و اولویت‌بندی راهکارهای ساماندهی آنان. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۶(۳)، ۱۰۹ - ۱۳۱.
- رایف، د. (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق (چاپ اول). ترجمه مهدخت بروجردی علوی. تهران: انتشارات سروش.
- رضایپور، ع. (۱۳۸۸). مشکلات و مسائل تعاونی‌ها. فصلنامه فرهنگ و تعاون، شماره ۳۴، ۵ - ۶.
- سازمان امور عشایر کشور (۱۳۹۴). اساسنامه شرکت‌های تعاونی عشایری. بازیابی شده از <http://ashayer.ir/index.aspx?pageid=606&p=1>
- سازمان امور عشایر کشور (۱۳۹۷). شبکه تعاونی‌های عشایری ایران. بازیابی شده از <http://ashayer.ir/index.aspx?pageid=212&p=1>
- سام آرام، ع.، علی زاده، غ. و قاسمی زارع، س. (۱۳۹۶). هم‌اندیشی مسائل تعاونی‌ها (چاپ اول). تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- سعدی، ح.، اعظمی، م. و کریمی، س. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید کشاورزی در ایران (بررسی موانع توسعه تعاونی‌های تولید در اقتصاد کشاورزی ایران، مطالعه موردی استان

- همدان، شهرستان کبودرآهنگ). ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران. مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سلیم، غ. (۱۳۸۶). *سیر تحول تعاونی‌ها در ایران و جهان* (چاپ هفتم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شاه‌حسینی، ع. (۱۳۸۴). شرکت‌های تعاونی عشایری استان سمنان (وضع موجود، فعالیت‌ها، مشکلات، تنگناها و پیشنهادات). *فصلنامه تعاون*، شماره ۶۳، ۱۶ - ۲۴.
- شیخ سوینی، م.، قهرمان زاده، م. (۱۳۹۰). نقش مؤثر تعاونی‌ها در توسعه کشاورزی چالش‌ها و راهکارها. اولین همایش توسعه کشاورزی استان‌های شمال غرب کشور. مشکین‌شهر، دانشگاه پیام نور اردبیل.
- صفرپور، ر.، عمانی، ا. و نوراله نوری وندی، آ. (۱۳۹۳). موانع بازدارنده مهندسی مجدد تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان اهواز. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۳(۱۱)، ۷۷ - ۹۴.
- عابدی جعفری، ح.، تسلیمی، س.، فقیهی، ا. و شفیع‌زاده، م. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۲، ۱۵۱ - ۱۹۱.
- عباسی، م. (۱۳۸۹). *باور تعاون*. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- عباسی، ر.، رسول‌زاده، ب. و عباسی، پ. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت تعاونی‌های تولیدی استان اردبیل. *فصلنامه تعاون*، ۲۰(۲۱۱-۲۱۰)، ۷۶ - ۸۴.
- عطایی، پ. و ایزدی، ن. (۱۳۹۴). سازه‌های تأثیرگذار بر زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی (مورد مطالعه: تعاونی روستایی امیرکبیر در استان فارس). *فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، ۱۱(۱)، ۱۸۱ - ۱۹۶.
- غفاری بیستونی، ا. (۱۳۸۹). *بررسی علل رکود تعاونی‌های راکد بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه*. تهران: دفتر معاونت پژوهش، آموزش و کارآفرینی وزارت تعاون.

- فیروزآبادی، س. و حسینی، س. ر. (۱۳۹۰). بررسی موانع و مشکلات تعاونی‌های روستایی در بازاریابی محصولات کشاورزی. *فصلنامه توسعه روستایی*، ۳(۱)، ۱۳۱ - ۱۴۸.
- قدیری مقدم، ا. و نعمتی، ا. (۱۳۹۰). اولویت‌بندی تنگناهای پیش روی تعاونی‌های تولید کشاورزی شهرستان مشهد با تأکید بر نظام بازاریابی. *فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی*، ۲۵(۱)، ۷۶ - ۸۴.
- کلانتری، خ. و لوایی آدریانی، ر. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین چالش‌های پیش روی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در ایران با رویکرد نظریه بنیانی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۵(۱۷)، ۳۳ - ۵۱.
- کرباسی، ع.، یعقوبی، م. و شهابی، ش. (۱۳۸۸). بررسی مشکلات طرح‌های نیمه‌تمام در استان سیستان و بلوچستان. *فصلنامه تعاون*، ۲۰(۲۱۱-۲۱۰)، ۵۵ - ۷۰.
- کریمی، آ. و محمدی، م. (۱۳۹۶). شناسایی مؤلفه‌های معنویت اثرگذار بر تاب‌آوری در افراد کارآفرین. *فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۶(۲)، ۲۶۳ - ۲۸۰.
- کریم، م. ح. (۱۳۹۴). چالش‌های شبکه‌های تعاونی‌های روستایی ایران. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۴(۳)، ۱۷۳ - ۱۹۶.
- کمالی، ی. (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲)، ۱۸۹ - ۲۰۸.
- لوایی آدریانی، ر. (۱۳۹۵). *تحلیلی از زنجیره تأمین کشاورزی در ایران: چشم‌اندازی از یک چالش نهادی*. چهارمین همایش ملی انجمن‌های علمی دانشجویی رشته‌های مهندسی کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست. پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، تهران.
- محمدیان، م.، دهدشتی شاهرخ، ز.، خانلری، ا. و ظهوری، ب. (۱۳۹۵). شناسایی الزام‌های مسئولیت‌های اجتماعی تولیدکننده‌های کالاهای تدمصرف در حوزه بازاریابی. *فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، شماره ۲۸، ۲۷ - ۴۳.

مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۹۱). الگوی تعاونی‌ها برای کسب و کار جدید. بازیابی شده در ۱۳۹۸/۳/۱۲ از <http://karafarini.sharif.ir/1266/1391-08-16-10-11-54.html>

11-54.html

مهرگان، م. و زالی، م. (۱۳۸۵). در جستجوی فنون تعیین روایی در پژوهش‌های مدیریتی. فصلنامه فرهنگ مدیریت، ۴(۱۴)، ۵ - ۲۶.

مهری، ک.، صفری، س. و امینی بردپاره، ا. (۱۳۹۵). مطالعه موانع توسعه تعاونی‌های مرزنشینان کشاورزی، مسکن و مصرف آموزش و پرورش و اعتبار به اتکای روش تحلیل مضمون. فصلنامه فرایند مدیریت توسعه، ۲۹(۳)، ۱۲۳ - ۱۵۰.

نریمانی، ا. و واعظی، ر. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل تسهیل‌گر تجاری‌سازی پژوهش‌های دانش مدیریت دولتی. فصلنامه مدیریت دولتی، ۹(۲)، ۲۳۵ - ۲۶۲.

نصرالهی، م.، اللهیاری، م. ص.، صداقت حور، ش. و نورحسینی، س.ع. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران در استان گیلان. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۴(۱۴)، ۱۱۱ - ۱۲۶.

نمامیان، ف.، الیاسی، ر. و ایزدی، ح. (۱۳۹۶). روش‌شناسی و روش تحقیق کمی، کیفی و ترکیبی (چاپ اول). تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

واعظی، ر.، چگین، م. و اصلی پور، ح. (۱۳۹۷). چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون. فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۳(۴۱)، ۱ - ۴۰.

Abdolmaleki, M. (2015). Preventive factors to found walnut production cooperatives in Tuyserkhan township, Iran. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 5(1), 9-17.

Attride-Striling, J. (2001). Thematic network. An analytic tool for qualitative research. *Journal of Qualitative Research*, 1(3), 285-405.

- Benturaki, J. (2000). *Cooperatives and poverty alleviation*. England: IDS TEMA.
- Braun, V., & Clark, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Bruynis, C., Hahn, D.E., & Taylor, W. J. (1997). *Critical success factors for emerging agricultural marketing cooperatives*. American Cooperation, 50-54. An annual publication of the National Council of Farmer Cooperatives (NCFC).
- Carlo, R., Weatherspoonb, D., Petersonb, C., & Sabbatinia, M. (2000). Effects of managers' power on capital structure: a study of Italian agricultural cooperatives. *International Food and Agribusiness Management Review*, 3, 27-39.
- Develtere, P., Pollett, I., & Wanyama, F. (2008). *Renaissance of african cooperatives in the 21st century lessons from the field*. Chapter 2 in Cooperating out of Poverty: the renaissance of the African cooperative movement. Governance and Social Development Resource Centre.
- Dowlati, N., & Naderi Mehdiei, K. (2011). *Factors affecting the stagnation of rural cooperative societies (case study: Hamedan province)*. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
- Given, L. M. (2008). *The sage encyclopedia of qualitative method*. Vol.1. Californi: Sage.

- Koutsou, S.M., Partalidou, C., & Ragkos, A. (2014). Young farmers' social capital in Greece: trust levels and collective actions. *Journal of Rural Studies*, 34, 204-211.
- Malayim, Z. (2003). *Cooperatives*. 2th edition. Ankara: Yetkin Yayinlari, Turkey, 125-128.
- Ortmann, G. F., & King, R. P. (2007). Agricultural cooperatives: history, theory and problems. *Agrekon*, 46(1), 40-68.
- Ozdemir, G. (2005). Cooperative shareholder relations in agricultural cooperatives in Turkey. *Journal of Asian Economics*, 16, 315-325.
- Pampel, W. (2007). *Cooperation and rural development in Gambia*. New York: Mac Millan.
- Patton, M. (2002). *Qualitative research and evaluation methods*. California: Thousand Oaks.
- Gutierrez, J. D. (2014). Smallholders' agricultural cooperatives and rural development in Colombia. *Revista Desarrollo y Sociedad*, 73, 219-271.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
- Vanderwalt, L. (2005). *The resuscitation of the cooperative sector in South Africa*. Paper presented at the international cooperative research conference. 11-14 August 2005. Cork. Ireland.
- Unal, V. U., Guclusoy, H., & Franquesa, R. (2009). A comparative study of success and failure of fishery cooperatives in the Aegean. *Turkey Journal of Applied Ichthyo*, 25, 349-400.

Identifying and Analyzing the Challenges of Nomadic Cooperative Companies in Ilam Province Based on Thematic Analysis

M.B. Arayesh¹

Received: Feb 14, 2019 Accepted: Jun 23, 2019

Abstract

The present study was conducted with the aim of analyzing the challenges of nomadic cooperative companies in Ilam province. It is an applied study based on the goal, In terms of method, qualitative, and in terms of the philosophy of research, it is an interpretation research type. In order to analyze the data from semi-structured interviews, a thematic analysis has been used. The population of this study included 10 knowledgeable people in the field of cooperative subjects as well as appropriate texts for extracting indicators (theoretical literature). In this research, a snowball approach was used to select samples. As a standard for the end of sampling, the thematic saturation method is used. Themes were obtained using the two sources of theoretical literature and semi-structured interviews. The result of qualitative data analysis led to identifying 65 basic themes, 10 organizing themes, and finally 4 contextual themes including structural, managerial, economic, and socio-cultural challenges which all of them presented in the form of a model. Finally, suggestions were made in this area based on the results.

Keywords: Nomadic Cooperative Companies, Challenges, Thematic Analysis, Ilam Province.

1. Assistant Professor, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Arayesh.b@gmail.com